

جناب آقا سیّد نصرالله علیه بهاء الله

هو الله تعالى شأنه العظمة و الاقتدار

حمد مالک وجود و سلطان غیب و شهود را لایق و سزااست که بیک تجلّی از تجلّیات نیر اسم قیومش اسرار کلمه مبارکه و نُفخ فيه اخری اذا هم قیام ینظرون ظاهر یوم عظیم است و شرایطش اعظم امروز خافیة صدور و خائنة عیون امام وجوه مشهود یا نصر علیک بهاء الله مالک القدر از حق بطلب عباد را از فیوضات مالک ایجاد در معاد محروم نفرماید حیات انسان در عالم بمثابة نسیمی است که از دری وارد شود و از دری خارج باید امروز اولیای مقصود عالمیان که از بحر عرفان نوشیده‌اند و بافق رحمن ناظر بکمال محبت و روح و ریحان و حکمت و بیان غافلین را آگاه نمایند و نائمین را بیدار بگو ای دوستان امروز بامداد یوم داد است جهد نمایند تا مظاهر و مطالع و مشارق اعمال طیبه و اخلاق مرضیة روحانیة گردید در این ایام انسان قادر است بر تحصیل آنچه سبب بقای ابدی و حیات سرمدیست

جناب اسد علیه بهائی با نامه آنجناب حاضر لله الحمد عرف خدمت و استقامت از آن متضوع امروز هر امری از امور که رائحه عدل و انصاف و معروف از آن ساطع باید بآن تمسک نمود خالصاً لوجه الله مالک الوجود و الامر فی یوم الموعود لا زال این امر مبرم از امر حکیم علیم ظاهر و گواه آن کتب الهی کل را امر فرموده بیر و تقوی و نهی نموده از بغی و فحشا طوبی لمدينة ما منعها الحوادث عن نور الدیانة و الامانة و العفة اینکلمه مبارکه بمثابة نیر اعظم از افق سماء الواح الهی مشرق و لائح طوبی لمن عرف و عمل و ویل للغافلین

یا نصر تو آگاهی که کمال عنایت بر حسب ظاهر در باره نفسیکه در آستانه موجود مجری گشت و لکن آن بی وفا باتش حرص و هوی امانت را گداخت و ضرب قوی بر عدل و انصاف وارد عمل نمود آنچه را که شبه نداشته و ندارد لا زال خیانتش ظاهر و باهر و لکن اسم ستار ستر فرمود تا بالاخره باغوی عدو الهی ستر را درید حال در مدینه عدل الهی ناله‌ها مرتفع چه که ضرر اعمالش بنفس سدره وارد حضرات افنان اعانتش نمودند و از هر جهتی از جهات تجارت احباب باو راجع مع ذلک حرص را بر قناعت ترجیح داد و همچنین ظلم را بر عدل قسم بافتاب حقیقت که از افق سماء اراده اشراق نموده دیناری از آن دو مخزن نسبتش بحق نبوده اینفقره را لاجل انتفاع او تصدیق نمودیم یعنی تجارت او را در آستانه و همچنین لاجل ظهور نیر امانت ما بین امت و لکن آن بی انصاف در لیالی و ایام بکذب و خیانت مشغول تا بالاخره بایادی طمع و حرص ناری مشتعل نمود که اکباد امانت و دیانت و صدق و صفا را گداخت سبحان الله مقام وفا جفا ظاهر و مقام امانت خیانت نسل الله ان یؤیده علی الانابة و الرجوع انه هو التواب الغفور الکریم خیانت و حرص و اعتساف بمقامی رسیده که مَحُو آن ممکن نه الا بارادة الله ربّ العرش و الثری و مالک الآخرة و الاولى

اینکه در باره مجلس شور و اولیای آن ذکر نمودید بعزّ قبول فائز اولیای الهی در جمیع احوال باید بآنچه سبب تهذیب نفوس و ارتقاء وجود و ارتفاع کلمه الله است مشغول باشند و ظهور آن منوط و معلق است بمشورت اُمنای بیت عدل طوبی از برای نفوسیکه همّت بر خدمت عالم نموده‌اند آثار آن نفوس عالم را از زحمت براحت و از فقر بغنا و از ذلّت بعزّت رساند نسل الله ان یوقّهم علی البرّ و التقوی و یفتح علی وجوههم ابواب العنایة و الرّحمة و البرکة و الغناء انه هو فعّال لما یشاء و فی قبضته زمام الاشیاء یفعل و یحکم و هو الامر القدیم و الحاکم العلیم

لله الحمد جناب محمد قبل علی موفّق گشتند بر خدمت اهل عالم انشاء الله نفس اراده نافذ و مؤثّر است و از آن ثمرات کلبّه ظاهر خواهد شد کل باید در جمیع احوال باینکلمه علیا ناظر باشند یا اهل البهّاء انصروا الربّ بالاعمال و الاخلاق اثر اعمال انفذ است از اثر اقوال اعمال طیبه و اخلاق روحانیة هر یک منادی حق است ما بین عباد نصرت امر الله باین جنود

معلّق و منوط شاید نفوسی لوجه الله ظاهر شوند و عباد را از ظلم درنده‌های ارض نجات بخشند تا فساد باصلاح تبدیل شود و حرب بصلح و نفاق بوفاق قل

الهی الهی زین عبادک بطراز صفاتک و اخلاقک لیظهر ما اردت لهم بجدوک و کرمک
یا نصر لعمر الله اینمظلوم فی فم التّعبان کل را بافق رحمن دعوت مینماید قل تمسکوا یا قوم بذیل التّقوی انه ینجی العباد
و یقرّبهم الی الله مالک الایجاد اولیاء الله در آنجهات باید بقدر مقدور جناب مذکور را اعانت نمایند هر عملی امروز ظاهر شود
آن از سید اعمال مذکور و از قلم اعلی مسطور طوبی للعاملین

ذکر جناب میرزا محمد علیه بهائی را نمودید لله الحمد مؤیدند بر ذکر و ثنا و بما ینتشر به حبّ الله فی الاطراف نسئله
تعالی ان یوقّقه و یؤیّده علی الاستقامه الكبرى مفسدین آستانه بانتشار اخبار کذبہ مفتریه مشغول سبحان الله هر صاحب بصری
متحیر خیانت وجودیکه بمثابه آفتاب ظاهر و هویداست اظهار دیانت و امانت هم مینماید حال مال جمعی از اصحاب در قبضه
خیانت خائن معذب و مبتلا یا نصرالله در دیار غربت در سجن بر اینمظلوم وارد شده آنچه که قلم و مداد از احصای آن عاجز
است اولیای آن ارض را از قبل مظلوم تکبیر برسان و بعنایت حق جلّ جلاله بشارت ده هر یک بانوار نیر فضل فائز است در
ذکر اسامی نظر بمقتضیات حکمت توقّف نمودیم ولكن اصحاب سفینه حمرا لدی الوجه حاضر و لدی الباب قائم طوبی لهم و
همچنین اماء آن ارض را بعنایات مخصوصه مسرور دار قل

الهی الهی لک الحمد بما اظهرت لعبادک امواج بحر بیانک و تجلّیات نیر ظهورک اسئلك یا سلطان الوجود بحبلک
المتین و بیانک المبین و بالكلمة العلیا الّتی احییت بها المقربین من عبادک مرّة اخری بان تؤیّد اولیائک و اصفیائک علی استقامه
لا تزّلها شبهات الامم و ضوضاء النّاعقین و سطوة الذّین کفروا بیوم الدّین ای ربّ وفّقهم بالحکمة الّتی انزلتها فی کتیبک و زیرک
و صحفک ثمّ انزل علیهم من سماء رحمتک امطار الفضل و العطاء و قدر لهم ما یقرّبهم الی ساحة عزّک و بساط انسک انک
انت المقتدر القدير لا اله الا انت الفرد الواحد العليم الخبير